



The Expected Approach to Deal with Corruption in the Holy Quran Based on a Moral Account

Ahmad Alinejad

PhD student, Islamic Azad University, North Tehran Branch

Dr. Ahmad Rafiei (corresponding author)

Assistant Professor, Islamic Azad University, North Tehran Branch

Email: dr.ahmadrafiei@yahoo.com

Dr. Seyyed Hojatullah Alam Al-hoda

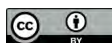
Visiting Professor, Islamic Azad University, North Tehran Branch

Abstract

One of the constant concerns of the human society, which is especially studied by legal and social science experts today and is interpreted as a basic feature of a decent governance, is dealing with the phenomenon of corruption. The fundamental and basic confrontation with political, social, cultural and economic problems is not possible except in terms of ethical measures, and the Holy Quran is considered as a unique source to provide moral models for the human political and social life. Therefore, the main question of the research is as "What kind of approach does the Holy Quran offer for dealing with the phenomenon of corruption, and what ethical approaches does it suggest for determining the effective strategies in managing this issue"?

Through an analytical method and by scrutinizing the verses of the Holy Quran and the related exegeses, this article has come to this conclusion that the Holy Quran has prepared a comprehensive moral system to deal with the phenomenon of corruption in at least three levels (warning, restoration and establishment).

Keywords: Holy Quran, ethical approach, dealing with corruption, strategies





سال ۵۵ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۱۱ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۲۳۲ - ۲۰۹	HomePage: https://jquran.um.ac.ir/
شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۲۰	شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۴۱۹۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰
نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲
DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2023.80675.1456	

رویکرد مطلوب مقابله با فساد در قرآن کریم مبتنی بر خوانشی اخلاقی

احمد علی نژاد

دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

دکتر احمد رفیعی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

Email: dr.ahmadrafiei@yahoo.com

دکتر سید حجت الله علم الهدی

استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

چکیده

از دغدغه‌های مستمر جامعه بشری که امروزه به‌طور ویژه مدنظر صاحب‌نظران حقوق و علوم اجتماعی قرار گرفته و از آن به‌عنوان مؤلفه‌ای اساسی در حکمرانی شایسته تعبیر می‌شود، مقابله با پدیده فساد است. مواجهه بنیادین و اساسی با آسیب‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، جز با لحاظ تمهیدات اخلاقی امکان‌پذیر نیست و قرآن کریم به‌عنوان منبعی بی‌نظیر به‌منظور ارائه الگوهای اخلاقی در قلمرو زیست سیاسی و اجتماعی انسان قلمداد می‌شود، لذا پرسش اصلی تحقیق بر این گزاره اتکا دارد که قرآن کریم برای مقابله با پدیده فساد چه جهت‌گیری را ارائه می‌کند و رویکرد آن برای تعیین راهبردهای مؤثر در مقابله با فساد، شامل چه رهیافت‌های اخلاقی می‌شود؟

حاصل این نوشتار با روش تحلیلی و تدقیق در آیات قرآن کریم و تتبع در مجامع تفسیری مرتبط با آن عبارت است از اینکه: قرآن کریم حداقل در سه ساحت (تخویفی، ترمیمی و تأسیسی)، نظام اخلاقی جامعی را برای مقابله با پدیده فساد تدارک دیده است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، رویکرد اخلاق‌شناختی، مقابله با فساد، راهبردها.

مقدمه

«فساد» مقوله‌ای است فراگیر که در تمامی نظام‌های اجتماعی رؤیت‌شدنی است و همه طبقات جامعه و نهادهای حاکمیتی را در تمامی وضعیت‌ها متأثر می‌سازد.^۱ این مسئله مربوط به زمان حال نیست و تاریخ حیات بشری از دوران باستان و پس از آن بدان دچار بوده است، اما به میزان ترقی اندیشه‌های حقوقی و اخلاقی در عرصه حکمرانی به حسب تمرکز قدرت و ثروت در اختیار حکومت‌ها، مقابله با این عارضه نیز بیشتر محل توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران علوم سیاسی و اجتماعی قرار گرفت؛^۲ تاجایی که امروزه میزان کارایی حکومت‌ها در سیاست‌گذاری‌های عملیاتی و کاربردی مقابله با فساد، از مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب و شایسته است. توضیح اینکه، میزان آمیختگی یک نظام اجتماعی و سیاسی با فساد، تأثیر مستقیمی در ارزیابی وضعیت عملکردی آن نظام دارد؛ به هر میزان فاصله حکمرانی از آن بیشتر باشد، شاخص مثبت آن بیشتر است و جامعه به سمت مؤلفه‌هایی از این دست به پیش می‌رود: رفاه، توسعه پایدار، اعتماد و ثبات اجتماعی. همچنین به هر میزان جامعه‌ای بدان مبتلا باشد، از شاخص‌های حکمرانی مطلوب فاصله می‌گیرد و به موقعیت نامطلوبی مبتلا می‌شود.^۳ بنابراین، به دلیل تأثیر مهم این مقوله در رشد و شکوفایی مادی و معنوی جامعه، مطالعه در قلمرو راهکارهای مناسب تضعیف‌کننده فساد و عوامل بسترساز بروز آن، امری غیرقابل مسامحه و راهبردی است.

با وجود پیشرفت‌های حقوقی چشمگیر در زمینه مقابله با فساد، نکته درخور توجه این است که همچنان این موضوع، چالشی اصلی در ایجاد نظام‌های حقوقی و سیاسی کارآمد است و مهم‌ترین مانع در برقراری نظام مناسبی عادلانه به شمار می‌رود. نظر به اینکه مواجهه مؤثر در برابر این آسیب، جز با تدقیق در عوامل تکوین نظریات حقوقی و سیاسی ممکن نیست، نگارندگان برآنند تا با تتبع در مضامین اخلاقی قرآن کریم به عنوان منبع اصلی پرورش اندیشه‌های حقوقی و اجتماعی شریعت اسلام، رویکرد مطلوب برای مقابله با فساد را ارائه کنند.

سرشماری ماده «ف س د» در آیات قرآن کریم نشان می‌دهد این ریشه با تمام مشتقاتش، ۵۰ مرتبه در ذیل ۴۷ آیه آمده است.^۴ این تعدد استعمال و هم‌نشینی آن با زوج متضادش؛ یعنی مفهوم صلاح، به خوبی از اهمیت مسئله مقابله با فساد در قرآن کریم حکایت می‌کند. لازم به ذکر است که برای فساد در قرآن کریم

۱. ابراهیم‌آبادی، «فساد در نگاهی دیگر: تأملی چندجانبه در مقوله فساد»، ۲.

۲. عسکری پورحیب، «نقش حکمرانی خوب در کاهش فساد و فقر»، ۲.

۳. عسکری پورحیب، «نقش حکمرانی خوب در کاهش فساد و فقر»، ۴.

۴. نگارندگان در این تحقیق بر واژه فساد متمرکز هستند و واژگان جانشین آن در قرآن کریم؛ نظیر «سینه»، «ظلم» و... از محل بحث خارج‌اند. مخاطبان برای مطالعه بیشتر در خصوص حوزه معنایی مفهوم فساد و نسبت آن با مفاهیم مشابه آن در قرآن کریم، نک: فلاحی‌زاده و شیردل، «معناشناسی توصیفی فساد در تفسیر آیات قرآن کریم»، ۴۰ تا ۳۵.

دسته‌بندی‌های گوناگونی ارائه شده است که به اعتبار محل ظهور فساد، شامل «اعمال انسانی» و «وجود خارجی» و به اعتبار کیفیت ظهور آن، شامل «فساد تکوینی» و «فساد تشریحی» می‌شود.^۵ در معنای فساد تکوینی، بشر در ایجاد آن دخالت ندارد و ناشی از دگرگونی و ممتد در عالم وجود است، لیکن فساد تشریحی، به دست بشر پدید می‌آید و به سبب آن، ارزش‌های دین و جامعه پایمال می‌شود و وضعیت جامعه از حالت مطلوب به نامطلوب تغییر می‌یابد. بدیهی است گونه نخست از فساد از محل بحث خارج است و آنچه مدنظر قرار دارد فساد تشریحی است.^۶

بر این اساس، نگارندگان با این فرضیه که کثرت آرا و نظریات صاحب‌نظران معاصر در این باره توانسته است نیاز بشر را از معارف نامتناهی الهی برطرف سازد و قرآن کریم به‌عنوان منبعی جامع برای استخراج الگوهای مطلوب حکمرانی می‌تواند موجد راهبردهای تعیین‌کننده در این باره باشد، در مقام پاسخ به این پرسش برآمده‌اند که قرآن کریم برای مقابله اساسی با پدیده فساد چه جهت‌گیری را ارائه می‌کند و رویکرد آن به‌منظور تعیین راهبردهای مؤثر در مقابله با فساد، شامل چه رهیافت‌های اخلاقی می‌شود؟

تدقیق در آیات قرآن کریم و تتبع در مجامع تفسیری مرتبط با آن، موجد این رهیافت است که قرآن کریم حداقل در سه ساحت، نظام اخلاقی جامعی را برای مقابله با پدیده فساد تدارک دیده است. این مهم که با رویکرد تحلیل محتوا و با روش مطالعه کتابخانه‌ای در قلمرو علوم قرآنی به انجام رسیده، در سه ساحت صورت‌بندی شده است: تخویفی و ترمیمی و تأسیسی.

۱. مقابله با فساد در ساحت رویکرد تخویفی

«تخویف»، از ریشه (خ و ف) و اهل لغت آن را به معنای ترسانیدن و بیم‌دادن^۷ تعریف کرده‌اند. همچنین برخی در توضیح این تعبیر، آن را انتظار عاقبت و امری ناپسند با توجه به نشانه‌ای محتمل یا معلوم و قطعی دانسته‌اند.^۸

در تبیین معنای اصطلاحی تخویف در قرآن کریم نیز باید اشاره کرد که مفهوم مذکور و مشتقات آن، ۱۲۲ مرتبه در آیات متعددی تصریح شده^۹ و این کثرت استعمال، مؤید این استدلال است که تخویف و انذار از جایگاه مهمی در نظام اخلاقی و هدایتی اسلام برخوردار است.

در توضیح نسبت تخویف با مفاهیم مشابه آن، نظیر خشیت، لازم به توضیح است که برخی

۵. مصطفوی، تفسیر روشن، ۹۱/۹.

۶. طباطبایی، المیزان، ۱۴۳/۲.

۷. ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ۲۳۰/۲.

۸. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۳۰۳.

۹. حداد عادل، دانشنامه جهان اسلام، ۴۶۹.

لغت‌شناسان، خشیت و خوف را به یک معنا گرفته‌اند^{۱۰} و بعضی دیگر، تفاوت این دو مفهوم را در آن دانسته‌اند که خشیت، ناشی از تأثر قلب از بدی و شری است که به فرد روی آورده است و خوف، تأثر عملی است؛ به معنای اقدام برای تمهید و تهیه وسیله‌ای که به کمک آن از محذور امان یابند، هرچند قلب متأثر نشود.

با توضیح مزبور می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که رویکرد تخویفی، مطلق خطباتی است که خداوند متعال در هیئت انذار و هشدار راجع به عواقب امور، به منظور هدایت انسان‌ها تشریح کرده و به وسیله آن، داعی لازم بر ترک محرّمات و مناهی دینی ایجاد می‌شود. با توجه به موضوع نوشتار، این رویکرد به عنوان نخستین راهبرد قرآن کریم در نسبت با مقوله فساد تحلیل و بررسی و عواقب ناشی از فساد تشریح می‌شود. با توجه به نسبت تخویف با مفهوم تعذیب؛ بدین صورت که آنچه تضمین‌کننده ترتیب اثر تخویف و هشدار توسط مکلف است، عقوبت و عذابی است که در نتیجه اعراض از انذار حاصل می‌شود.^{۱۱} این مهم، در دو گفتار با تأکید بر تبعات دنیوی و تبعات اخروی تبیین خواهد شد.

۱.۱. رویکرد تخویفی با تأکید بر تبعات دنیوی

احکام اسلام، تابع مصالح و مفاسد واقعی است و پیروی از دستورات خداوند و اهل بیت، تأمین‌کننده سعادت و کامیابی و نافرمانی ایشان، سبب شقاوت و ناکامی است. بنابراین، آثار و تبعات دنیوی اعمال انسان به میزان پابندی او به احکام الهی بستگی دارد و در واقع، رفتار آدمی سرنوشت حیات این جهانی او را می‌سازد.^{۱۲} از جمله مضامین پرتکرار که خداوند متعال در قرآن کریم بدان توجه داشته است، انذار راجع به آثار دنیوی فساد بوده است. خطاب‌های باری تعالی در این خصوص در دو محور درخور بررسی است: اولاً، آیاتی که مستقلاً و مستقیماً به تبعات دنیوی فساد اشاره داشته‌اند؛ ثانیاً، آیاتی که غیر مستقیم و در هیئت قصص و داستان‌های اقوام و نحل پیشین در خصوص عوامل فساد انذار داده‌اند.

۱.۱.۱. زوال اسباب حیات مادی بشر

در تشریح طیف نخست از آیات می‌توان به نابودی اسباب معاش و حیات بشری به‌عنوان یکی از تبعات مستقیم فساد اشاره کرد که خداوند در آیه «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵)؛ و هنگامی که [چنین دشمن سرسختی] قدرت و حکومتی یابد، می‌کوشد که در زمین فساد و تباهی به بار آورد و زراعت و نسل را نابود کند و خدا فساد و تباهی را دوست

۱۰. عسکری، الفروق فی اللغة، ۲۳۵.

۱۱. صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم.

۱۲. عبدالمحمدی، «آثار دنیوی گناه»، ۷۶.

ندارد.

در مقام تحلیل واژگانی باید اشاره داشت: مراد از «حرث»، کل نبات و مراد از «نسل»، کل ذات^{۱۳} و «هلاک» نیز به زوال انتفاع مطلوب از شیء معنا شده است که به دو صورت، تصورشدنی است: ۱. هلاکت در حرث و نسل به دلیل سوءاختیار عوامل انسانی بروز می‌کند و با مزاحمت در فعالیت‌های اجتماعی، اسباب تعطیلی صنایع و ویرانی مزارع را ایجاد می‌کند؛ ۲. آن نوع هلاکتی است که به دلیل زیادی معصیت و علنی شدن ظلم، خداوند برکات آسمان و زمین را حبس و بلاها را بر جماعت طاغی نازل می‌کند.^{۱۴}

صاحب تفسیر المنار، هلاکت حرث و نسل را رنج و آزار شدید صادرشده از شخص مفسد می‌داند که از باب تمثیل ذکر شده است و معنای آن را آزار بدون قید و شرط شخص مفسد برای ارضای شهواتش می‌داند، ولو اینکه همه ملک و زمین برای دستیابی او به مقصود باطلش خراب و نابود شود.^{۱۵}

منافق یا طاغی و باغی تا زمانی که به قدرت نرسیده‌اند داعیه اصلاح طلبی دارند؛ اما چون به منصبی دست یابند به فساد در زمین می‌پردازند و در عرصه اندیشه، با القای شبهه الحاد، ساده‌لوحان را متزلزل می‌کنند و در عرصه عواطف با ایجاد وسوسه، محبت‌ها و همدلی‌ها را به اختلاف و دشمنی مبدل می‌کنند و اگر بتوانند با جاسوسی برای بیگانگان و شعله‌ورکردن آتش جنگ در گستره زمین، ناامنی و مرگ را جایگزین امنیت و حیات می‌کنند و از نظر فرهنگی، سیر ترقی و رشد علمی جامعه را متوقف می‌کنند و همه منابع اقتصادی و انسانی را به نابودی می‌کشند و جامعه را فاسد و حرث و نسل را تباه می‌سازند.^{۱۶} معنای مستنبط از آیات فوق، مورد تصدیق تاریخ قرار گرفته است؛ چنان‌که در تاریخ اسلام نیز افرادی زعامت امور را برعهده گرفته که ثمره تصرفات ایشان در امر دین و دنیا، سبب انحطاط مسلمانان و تفرق در امت اسلام شد.^{۱۷}

در این آیه، نشانه‌های دشمنی افراد مفسد و منافق و طاغی را چنین بیان می‌دارد که: می‌کوشند منابع اقتصادی؛ اعم از کشاورزی، دامداری، صنعت و نیروی انسانی را نابود سازند، یعنی هم امنیت و آرامش فکری و وحدت ملی را از میان ببرند و مردم را به جان همدیگر بیندازند و هم استقلال اقتصادی را که به حرث و نسل وابسته است به خطر بیندازند تا جامعه اسلامی از هر نظر به فساد و تباهی گرفتار شود.^{۱۸}

۱۳. طوسی، التبیان، ۱۸۱.

۱۴. سبزواری، مواهب الرحمن، ۲۱۷/۳.

۱۵. رضا، تفسیر القرآن الحکیم، ۱۹۹/۲.

۱۶. جوادی آملی، مبادی اخلاقی در قرآن، ۵۶.

۱۷. طباطبایی، المیزان، ۹۷/۲.

۱۸. جوادی آملی، مبادی اخلاقی در قرآن، ۳۲.

بنابراین، قرآن کریم با بیان تالی فاسد زعامت امور به دست افراد ناشایست در جامعه، جوامع بشری را نسبت به این ابتلا تحذیر می‌کند.

۱. ۱. ۲. اختلال در انتظام امور

از دیگر تبعات فساد در عرصه دنیا که خداوند در خصوص آن ائذار داده است، برهم خوردن نظم جهانی است.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ»^{۱۹} «هوی» به معنای شهوت، اما نه شهوت غذا و آب و مانند آن؛ بلکه شهوتی در عداد محرّمات که برخلاف مقتضای فطرت باشد و با بروز آن، اصول انتظام عوالم مختل خواهد شد و هر نظام و قانونی را منهدم می‌سازد.^{۲۰} در واقع، اگر حق پیرو هوا و هوس ایشان باشد، نظام کیهانی مختل و روابطی متناقض جای نظام کامل هستی را می‌گیرد که این تغییر، مساوی با فساد عالم خواهد بود.^{۲۱}

۱. ۱. ۳. ایجاد بحران‌های زیست‌محیطی

از جمله تبعات دنیوی فساد، ایجاد بحران‌های زیست‌محیطی است که خداوند در آیه کریمه به آن اشاره فرموده است: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»^{۲۲}؛ تبهاران، نه تنها خشکی‌ها را به تباهی کشیده‌اند؛ بلکه دریاها را هم آلوده کرده‌اند. چنان‌که در جنگ خلیج فارس دریا هم آلوده شد و انسان معاصر با داشتن قانون محیط سالم و زیست، در اثر نداشتن اخلاق نه در خشکی به سلامت زیست و نه در دریا از سلامت بهره برد.^{۲۳}

مراد از بحر و بر: «سوء الأحوال فی ما ینتفع به الناس من خیرات الأرض، برها و بحرها.» فساد زمین با فقدان منافع آن و حدوث مضار آن اتفاق می‌افتد؛^{۲۴} از جمله مضار عبارت‌اند از: قحطی و افزایش مرگ‌ومیر در انسان‌ها و تلف شدن حیوانات و زیاد شدن آتش‌سوزی‌ها و غرق شدن در دریاها و خسارت در تجارت.^{۲۵} این آیات نشان می‌دهد که اگر افراد جامعه از رذیلت و فساد آزاد نشوند، هرگز توان تشکیل مدینه فاضله را نخواهند داشت.

قصص قرآنی، دسته‌ای دیگر از اقسام خطباتی است که خداوند در قالب آن در قرآن کریم ائذار کرده

۱۹. مؤمنون: ۷۱

۲۰. ابن‌عاشور، التّحریر و التّنویر، ۷۶/۱۸.

۲۱. طباطبایی، المیزان، ۴۷/۱۵.

۲۲. روم: ۴۱.

۲۳. جوادی‌آملی، مبادی اخلاقی در قرآن، ۲۳۳.

۲۴. ابن‌عاشور، التّحریر و التّنویر، ۶۵/۲۱.

۲۵. زمخشری، الکشاف عن حقائق التّنزیل، ۴۸۲/۳.

است. داستان‌های قرآن کریم، شیوه و خصوصیات ویژه و منحصر به فرد دارد که مختص خود قرآن است و در برآوردن هدف هدایت قرآن مؤثر است و هریک از داستان‌ها را به صحنه تجلی فضایل اخلاقی و ارزش‌های متعالی تبدیل کرده است. قرآن در ساختار قصه‌هایش از اسلوب‌ها و فنون متنوع سود جست است که تمام این شیوه‌ها و اسلوب‌های هنری در راستای همان هدف اصیل قرآن، یعنی القای هرچه بیشتر معانی و معارف الهی، ابلاغ رسالت انسانی و تصویرگری از سیمای دین و توأم با تبشیر و تخویف راجع به عواقب امور پدید آمده است.^{۲۶}

از مهم‌ترین هدف‌های قرآن کریم در نقل قصه‌ها و تاریخ گذشتگان، عبرت‌آموزی است، چنان‌که خداوند در آیه ۱۱۱ از سوره یوسف می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ»؛ به‌راستی در سرگذشت آنان عبرتی برای خردمندان است.

پس می‌توان گفت که قصص قرآن، آینه‌ای برای انعکاس حقایق و عوامل موفقیت و شکست، سعادت، شقاوت، سرفرازی و ذلت است.

در بحث تعذیب دنیوی که برای مفسدان در نظر گرفته شده است نیز خداوند در آیات گوناگونی به ذکر سرگذشت مفسدان در امم گذشته اشاره فرموده است که از آن جمله می‌توان به تعذیب دنیوی مفسدان از قوم ثمود اشاره کرد که خداوند می‌فرماید: «وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يُصْلِحُونَ»؛ و در آن شهر، نه گروهک بودند که در زمین فساد می‌کردند و اصلاح نمی‌کردند. خداوند با اشاره به مفسدان این قوم در مقابل مصلحان، در آیات بعد اشاره به تعذیب آنان می‌کند و می‌فرماید: «بنگر عاقبت توطئه آن‌ها چه شد که ما آن‌ها و قومشان همگی را نابود کردیم؛ این خانه‌های آن‌هاست که به‌دلیل ظلم و ستمشان خالی مانده... و آن را نشانه‌ای برای آگاهان قرار داده است.»^{۲۷}

۲.۱. رویکرد تخویفی با تأکید بر تبعات اخروی

بر اساس آموزه‌های دینی ادیان بزرگ توحیدی، خداوند به‌گونه‌ای عادلانه در جهان دیگر بر اعمال و نیات همگان داور خواهد کرد و هر کسی را متناسب با رفتار دنیوی‌اش محاسبه می‌کند. او به هر عملی، حتی کوچک‌ترین آن‌ها رسیدگی می‌کند و جزای همگان را خواهد داد و از جمله، برخی گناهکاران را به عذاب جاویدان محکوم خواهد کرد.^{۲۸} در کنار پیامدهای دنیوی، آنچه می‌تواند انسان را از گناه باز دارد و او را از آسیب غفلت و گمراهی مصونیت بخشید، آگاهی و شناخت راجع به تبعات اخروی اعمال فسادانگیز

۲۶. شاذلی، فی ظلال القرآن، ۱۹۹.

۲۷. «قَالُوا أَطَّيَّرْنَا بِكَ وَ بَيْنَ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ» (نمل: ۴۷) «وَ كَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يُصْلِحُونَ» (نمل: ۴۸) «...فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِمِهِمْ أَنَا دَرَسْنَا لَهُمْ وَ قَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ» (نمل: ۵۱) «فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (نمل: ۵۲)

۲۸. حجتی، «عذاب جاویدان: عدالت و عشق الهی»، ۲۳۰.

است. بنای خلقت بر صلاح و اصلاح است، لذا در بعضی آیات، خداوند متعال از عنوان دوست‌نداشتن فساد و مفسدان استفاده می‌کند^{۲۹} که آیه‌ای از این دسته‌اند: «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَاسِدَ»^{۳۰} و آیه شریفه «... وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ»^{۳۱} و...^{۳۲} که این ناپسندی و مبعوضیت در قرآن حکیم، ملازم با سخط الهی و نشانگر آن است که خداوند نمی‌خواهد که آن چیز محقق شود^{۳۳} که در برخی از آیات بر کیفر سنگین ایشان در آخرت تأکید شده است. در این راستا می‌توان به آیه ۸۸ سوره نحل اشاره کرد که خداوند متعال فرموده است: «الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ»^{۳۴} زیادتای عذاب آنان بدین سبب است که علاوه بر کفر شخصی، راه سایر مردم را نیز برای تبعیت از اسلام مسدود کرده و انسان‌ها را از هر راهی باز داشته‌اند که به خدا یا اولیای الهی یا حزب او می‌رسد.^{۳۵}

در آیه ۳۳ سوره مائده نیز از عذاب عظیم به‌عنوان عقوبت اخروی مفسدان یاد شده است^{۳۶} که به‌دلیل بزرگی جنایت این دسته از مفسدان، دلالت بر جمع بین عقوبت دنیوی و عذاب اخروی آن‌ها دارد.^{۳۷} علاوه بر موارد مذکور، آیه‌ای درخور اشاره است که در آن خداوند فاسدان را به‌سبب تباه‌ساختن سرمایه‌های فطری، مورد لعنت الهی و مستحق منزل‌گاهی ناخوشایند در آخرت معرفی کرده است^{۳۸} و لعنت در این آیات، به‌معنای دورکردن از رحمت است،^{۳۹} به‌دلیل اینکه حق را کنار گذاشته و در باطل فرو رفته‌اند؛ چراکه سرانجام باطل، جز نابودی و هلاکت نیست.^{۴۰}

۲. مقابله با فساد در ساحت رویکرد ترمیمی

خداوند متعال در ارائه راهبردهای مقابله با فساد در کنار رویکرد سلبی مبتنی بر خوف و انداز، به‌منظور

۲۹. طباطبایی، المیزان، ۷۷/۱۶.

۳۰. بقره: ۲۰۵.

۳۱. مائده: ۶۴.

۳۲. «وَاتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص: ۷۷).

۳۳. طوسی، التبیان، ۱۸۱.

۳۴. «کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، به‌دلیل فسادی که می‌کردند، عذابی بر عذابشان می‌افزایم.»

۳۵. ابن‌عاشور، التخریر و التنویر، ۲۰۰/۱۳.

۳۶. «وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده: ۳۳).

۳۷. سبزواری، مواهب الرحمن، ۲۰۳/۱۱.

۳۸. «وَالَّذِينَ يَنْفُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (رعد: ۲۵) «الَّذِينَ يَنْفُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَائِبُونَ» (بقره: ۲۷).

۳۹. ابن‌کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۳۸۹/۴.

۴۰. طباطبایی، المیزان، ۳۴۷/۱۱.

بازسازی نظام ارزشی جامعه، چهارچوب‌ها و موازین اخلاقی و تربیتی ایجابی را مطرح می‌کند که می‌توان از آن به رویکرد ترمیمی تعبیر کرد. همان‌طور که خداوند در آیه ۱۴۲ سوره اعراف می‌فرماید: «... وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»؛ و موسی به برادرش هارون گفت: جانشین من در میان قومم باش و (آن‌ها) را اصلاح کن و از روش مفسدان، پیروی مکن.

موضوع اصلاح در این آیه، مسائل اجتماعی و جامعه است؛ چراکه هارون(ع)، خود، پیغمبری مرسل و معصوم از معصیت و پیروی اهل فساد بوده، پس قطعاً مقصود آن حضرت از این کلام، نهی هارون از کفر و معصیت نبوده؛ بلکه تذکر مبنی بر عدم تأثیر از آرای مفسدان در اداره امور مردم بوده است.^{۴۱} در نتیجه، اصلاح هنگامی اتفاق خواهد افتاد که دست عوامل فساد از اداره جامعه کوتاه شود. بنابراین، رویه قرآن کریم برای مبارزه با فساد در رویکرد ترمیمی در دو سطح درخور بررسی است: ۱. تضعیف نظام اراده‌های مبتنی بر فساد؛ ۲. تقویت نظام اراده‌های مقابله با فساد. در سطح نخست، خداوند با معرفی بسترهای فسادزا و تقبیح آن‌ها درصدد تضعیف اراده‌های فسادزا برآمده و در سطح دوم، با تکریم و تقویت بسترهای ضدفساد و ارائه راهکار، نظام اراده‌های انسانی مقابله با فساد را تقویت کرده است. در ادامه، ابعاد گوناگون هریک از این دو رویکرد بررسی می‌شود.

۱.۲. رویکرد ترمیمی مبتنی بر تضعیف نظام اراده‌های مبتنی بر فساد

از جمله راهبردهای قرآن کریم در مبارزه با فساد با رویکرد ترمیمی، از جهتی، برشمردن عوامل فسادزا و تقبیح و امر به از بین بردن آن است و از جهتی دیگر، محدودکردن مفسدان است که هر دو با هدف تضعیف نظام اراده‌های مبتنی بر فساد صورت گرفته است.

تدبر در آیات قرآن کریم موجد این رهیافت است که خداوند متعال در گام نخست، به منظور تضعیف نظام اراده‌های مبتنی بر فساد، به ارزش‌ها و مبانی معرفتی مؤثر در تکوین چنین اراده‌هایی اشاره می‌کند. به تعبیر قرآن کریم، از جمله مبانی مؤثر در تکوین اراده‌های مبتنی بر فساد، شرک و هواپرستی است و قرآن کریم، مرجع همه اوصاف رذیله را شرک و مبدأ همه اوصاف فاضله را ایمان به خدا و توحید خالص می‌داند؛ به این معنا که، منشأ فساد و گناهایی که در قرآن و روایات به آن‌ها اشاره شده است به هواپرستی منتهی می‌شود و هواپرستی، درحقیقت شرک ربوبی است: «افرأیت من اتخذ الهه هواه»؛^{۴۲} خدای انسان مفسد، همان هوای او و هوای او، همان خدای اوست.^{۴۳}

۴۱. طباطبایی، المیزان، ۲۳۶/۸.

۴۲. جایه: ۲۳.

۴۳. جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن، ۲۳۵.

از دیگر مبانی مؤثر در تکوین اراده‌های مبتنی بر فساد، کفر و اضلال بندگان خداست که این مهم، جایگاه نگاه توحیدی به مقوله پیشگیری و مبارزه با فساد را نمایان می‌سازد. آیه ۸۸ سوره نحل می‌فرماید: «کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، به دلیل فسادی که می‌کردند، عذابی بر عذابشان می‌افزاییم!» از این آیه استفاده می‌شود: آن‌ها که علاوه بر کفر ورزیدن، راه خدا را به روی دیگران هم بستند و با عناد و لجاج، کفر خود را تکمیل کردند، عذاب بیشتری را خواهند داشت. به عبارتی دیگر، افساد در زمین و جلوگیری از تشکیل مجتمعی صالح، امری است که پیش آمدنش مستند به ایشان است، زیرا اگر افساد و سد اینان نبود، تشکیل چنین مجتمعی مترقب بود.^{۴۴}

کفران نعمت و نسیان یاد پروردگار عالم نیز از جمله مبانی مؤثر در تکوین اراده‌های مبتنی بر فساد است که خداوند آن را تقبیح کرده است؛ همان‌طور که خداوند متعال در سوره اعراف می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَاكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأْنَاكُمْ فِي الْأَرْضِ تَسْخِدُونَ مِنْ سُهُولِهَا فُضُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»؛^{۴۵} و به خاطر بیاورید که شما را جانشینان قوم عاد قرار داد و در زمین مستقر ساخت که در دشت‌هایش قصرها برای خود بنا می‌کنید و در کوه‌ها برای خود خانه‌ها می‌تراشید! بنابراین، نعمت‌های خدا را متذکر شوید! و در زمین به فساد نکوشید!

حضرت صالح در این جمله، قوم خود را به تذکر و یاد آوردن نعمت‌های خدا دعوت می‌کند، همچنان که حضرت هود قوم عاد را به آن دعوت می‌کرد. آن‌گاه تمامی نعمت‌ها را در جمله «فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ» خلاصه می‌کند و عبارت «نعمت‌های خدا را به یاد آورید» که تعمیم بعد از تخصیص^{۴۶} را فرموده و در ادامه، نتیجه می‌گیرد: «و لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ». این جمله عطف بر جمله «فاذکروا» و لازمه آن است و ماده «عتی»، هم به معنای فساد تفسیر شده و هم به معنای مبالغه آمده است.^{۴۷}

از دیگر موارد مؤثر در تکوین اراده‌های مبتنی بر فساد، کبر و برتری‌جویی است. خداوند در آیه ۴ سوره قصص که فرعون را به صراحت از مفسدان می‌داند، برتری‌جویی و کبر او را مذمت و تقبیح کرده است.^{۴۸} گام دوم برای تضعیف نظام اراده‌های مبتنی بر فساد، مضامینی است که به موجب آن خداوند متعال در مقام تحدید و کنترل مفسدان و ایجاد مرزبندی‌های مشخص از جامعه ایمانی است.

قرآن کریم در آیه ۹۴ سوره کهف، درخواست مردم از ذوالقرنین را مطرح می‌فرماید که از او خواسته

۴۴. طباطبایی، المیزان، ۳۲۱/۱۲.

۴۵. اعراف: ۷۴.

۴۶. ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، ۱۷۱/۸.

۴۷. طباطبایی، المیزان، ۱۸۲/۸.

۴۸. «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أُمَّلَهَا شِعْرًا يَسْتَضِجِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدْبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ»

بودند که سدی بین آن‌ها و بین یاجوج و ماجوج که به تصریح قرآن از مفسدان هستند، ایجاد کند^{۴۹} و ذوالقرنین که حاکم وقت بود، درخواست آن‌ها را اجابت کرد. تشویق خادمان و مجازات خطاکاران از عوامل مهم پیروزی و دوام حکومت است. این، همان اصلی است که ذوالقرنین از آن به خوبی استفاده کرد و حضرت علی(ع) در فرمان معروفش به مالک اشتر که یک دستورالعمل جامع کشورداری است، می‌فرماید: «هیچ‌گاه نباید نیکوکار و بدکار در نظر تو یکسان باشند، زیرا این امر سبب می‌شود که نیکوکاران به کار خود بی‌رغبت شوند و بدکاران جسور و بی‌پروا.» در واقع، قرآن بیان می‌دارد که یک حکومت نمی‌تواند در خصوص تفاوت و تنوع زندگی مردم و شرایط مختلف آن‌ها بی‌اعتنا باشد و امنیت، نخستین و مهم‌ترین شرط یک زندگی سالم اجتماعی است، به همین دلیل ذوالقرنین برای فراهم کردن آن، پرزحمت‌ترین کارها را برعهده گرفت و به مقابله با فساد از طریق محدود کردن مفسدان پرداخت.^{۵۰}

۲.۲. رویکرد ترمیمی مبتنی بر تقویت اراده‌های مقابله با فساد

رویکرد قرآن کریم در مقابله با فساد، صرفاً متوقف بر تضعیف اراده‌های مبتنی بر فساد نیست؛ بلکه ذیل جنبه‌ایجابی هم از چند طریق به تقویت اراده‌های مقابله با فساد پرداخته است. استقرار نظام ارزشی مبتنی بر اراده‌ صالحان نمی‌تواند مادامی که در توازن و نهایتاً در تفوق با اراده‌های مبتنی بر فساد قرار نگیرد، در سامان‌دهی مطلوب حیات اجتماعی بشر مؤثر واقع شود، لذا خداوند متعال در معارف نامتناهی قرآن کریم به مؤلفه‌هایی رهنمون می‌سازد تا این تفوق از منظر گفتمانی و جریانی حاصل شود. از جمله نمونه‌های آن در آیه ۱۴۲ سوره اعراف است که موسی برادرش، هارون را امر به اصلاح و اجتناب از پیروی روش اهل فساد می‌کند که این پیروی، اعم از مشارکت در اعمال، کمک، همراهی و حتی معاشرت با آن‌هاست.^{۵۱} این آیه بیانگر سنت الهی در راستای تقویت اراده‌های مقابله با فساد است.

یکی دیگر از روش‌های مؤثر در تقویت اراده‌های مقابله با فساد، به فعلیت رساندن علم و عمل و عبور از مرحله صرف قوه و استعداد است که قرآن به آن اشاره کرده است.

بی‌تردید، انسان هم مانند سایر انواع موجودات کمالی دارد و کمال انسان عبارت است از اینکه در دو طرف علم و عمل از مرحله قوه و استعداد به در آمده و به مرحله فعلیت برسد؛ یعنی به عقاید حق معتقد شود و اعمال صالح انجام دهد که این رویکرد در مقابل شرک و کفر و اضلال بندگان خدا و برتری‌جویی است. همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ

۴۹. «قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجاً عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا.»

۵۰. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۵۳۸/۱۲.

۵۱. رضا، تفسیر القرآن الحکیم، ۱۰۷/۹.

أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ؟^{۵۲} آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، همچون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟!

خداوند در این آیه، ایمان و عمل صالح را در مقابل فساد قرار داده و افراد باایمان که کناره‌گیری و گوشه‌نشینی نمی‌کنند، بلکه به میدان عمل می‌آیند و کار نیک می‌کنند را همان متقین معرفی می‌کند.

سؤال این آیه، استفهام انکاری است و این معنا را می‌رساند که هرگز چنین نخواهد بود که صالحان و مفسدان را مانند هم قرار دهیم.^{۵۳}

فطرت انسان اگر سالم مانده باشد، این عقاید حق و اعمال صالح را تشخیص می‌دهد و عبارت می‌داند از ایمان به حق و عمل‌هایی که مجتمع انسانی را در زمین، صالح می‌سازد.

پس تنها کسانی که ایمان آورده و به صالحات عمل کردند و به تعبیر خلاصه، مردم باتقوا، انسان‌های کامل هستند و اما مفسدان در زمین؛ یعنی آن‌ها که عقاید فاسد و اعمال فاسد دارند و نام «فجارجار»، معرفت آنهاست، افرادی هستند که در واقع، در انسانیتشان نقص دارند.^{۵۴} لذا انسان برای تقابل با فساد لازم است مسلح به سلاح عمل نیک در کنار ایمان باشد. نهایت اینکه، آیه مزبور، یکسان معامله کردن هر دو طایفه و لغوکردن آنچه صلاح این و فساد آن را اقتضا دارد، خلاف عدالت باری تعالی معرفی می‌کند و در مقام بشارت نسبت به برقراری عدالت الهی در برخورداری از حیاتی سعید و عیشی طیب قرار دارد.

روش دیگر خداوند در قرآن کریم راجع به تقویت نظام اراده‌های مقابله با فساد، عزم جمعی بر تقابل با فساد است. غالباً در جوامع انسانی، افرادی بر اثر معرفت محدود خویش، خواهان زندگی حیوانی‌اند که اگر آزاد باشند جامعه را به فساد می‌کشند. سنت الهی این است که مردم در جامعه با اراده خود راه خیر و شر را برگزینند؛ اما زمانی که فساد مفسدان از مرز امکان عفو بگذرد، خداوند گروهی از اهل ایمان را برای نابودی آنان مأمور می‌سازد. «... وَ لَوْ لَادْفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ»^{۵۵}؛ و اگر خداوند برخی مردم را مانع ادامه دشمنی و استمرار فساد برخی دیگر قرار نمی‌داد، فساد سراسر زمین را فرا می‌گرفت.^{۵۶} مراد از فساد زمین، مختل شدن نظم اجتماع و پیداشدن فتنه و بروز اختلاف است؛^{۵۷} توضیح

۵۲. ص: ۲۸.

۵۳. زمخشری، الکشاف، ۹۰/۴.

۵۴. طباطبایی، المیزان، ۲۹۹/۱۷.

۵۵. «فَهَرَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَ لَوْ لَادْفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَي الْعَالَمِينَ.» سپس به فرمان خدا، آن‌ها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند و داوود (نوجوان نیرومند و شجاعی که در لشکر طالوت بود)، جالوت را کشت و خداوند، حکومت و دانش را به او بخشید و از آنچه می‌خواست به او تعلیم داد و اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، زمین را فساد فرا می‌گرفت، ولی خداوند نسبت به جهانیان، لطف و احسان دارد (بقره: ۲۵۱).

۵۶. جوادی آملی، تسنیم، ۷۰/۱۱۱.

۵۷. ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، ۴۷۸/۲.

اینکه، اگر گروهی از اهل صلاح و ایمان در مقابل دفع اشرار قرار نگیرند طغیان و فساد، مردم و سرزمین را در بر خواهد گرفت و جامعه انسانی به استیلاي افراد ناباب و شرور مبتلا خواهد شد.^{۵۸}

اگر جلوگیری مردم به وسیله خودشان نباشد، زمین فاسد می‌شود؛ یعنی خود مردم جلوی فساد بعض دیگر را می‌گیرند، مثلاً مردمی که سلطان جلوی فساد و جنایت آنان را می‌گیرد و از ترس قدرت، مرتکب جرم و جنایت نمی‌شوند، به مراتب بیشتر از آن مردمی هستند که به سبب وعده و وعید قرآن و خدا از گناه و ارتکاب جرم دست بر می‌دارند.^{۵۹} لذا پروردگار نیز در قرآن، دفع مفسدان توسط خود مردم جامعه را تأیید و تأکید فرموده است که اختصاصی به امور نظامی ندارد و بلکه امور فرهنگی و فقهی و حقوقی را نیز در بر می‌گیرد^{۶۰} و در آیه دیگر که در قضیه ذوالقرنین و فساد یاجوج و ماجوج به آن اشاره شد، خود مردم عرضه داشتند که پیشنهاد ایجاد سد را به ذوالقرنین دادند که ما در هزینه آن مشارکت می‌کنیم^{۶۱} و از این نقل داستان تاریخی قرآن، تقویت نظام اراده‌های حق طلبانه ضد فساد در ذیل رویکرد عزم جمعی تقابل با فساد درخور نتیجه‌گیری است.

۳. مقابله با فساد در ساحت رویکرد تأسیسی

رویکرد اخلاقی قرآن کریم در مواجهه با فساد، صرفاً متوقف بر انذار نسبت به تبعات ناگوار و همچنین ارائه نظام ارزشی متناسب برای مقابله با فساد نیست؛ بلکه تتبع در مضامین قرآنی، موجب این رهیافت است که این منبع هدایت‌بخش، راهبردی را در این باره دنبال می‌کند که در پی آن مناسباتی مبتنی بر اصالت اخلاق و ایمان در جامعه اسلامی برقرار می‌شود. مهم‌ترین کارکرد این مضامین، ارائه الگویی از جامعه‌پردازی است که در آن موازین اخلاقی مقابله با فساد به مثابه نهاد و نظام، باورها و ارزش‌ها را متبلور می‌سازد و نهایتاً می‌تواند در سامان‌دهی یک نظام اجتماعی کارآمد و پویا مؤثر واقع شود.

با تدقیق در آیات قرآن و بایسته‌های حکمرانی برآمده از آن به این نتیجه می‌رسیم که مهم‌ترین روش برای مبارزه با فساد، اقامه ارزش‌ها و معارف اخلاقی در سطوح کلان سیاسی و اجتماعی است؛ این مهم نیز جز از رهگذر ایجاد تحولات گفتمانی و همچنین تعریف ضمانت‌اجراهای مشخص، ممکن نیست. بر اساس این ضرورت، می‌توانیم در تعیین راهبردهای مقابله با فساد از رویکرد سومی سخن به میان آوریم که از مؤلفه‌های پیش‌گفته برخوردار باشد؛ رویکردی که از آن به رویکرد تأسیسی قرآن کریم تعبیر می‌کنیم. در

۵۸. سزواری، مواهب الرحمن، ۱۶۱/۴.

۵۹. طبرسی، مجمع البیان، ۶۲۱/۲.

۶۰. جوادی آملی، تسنیم، ۷۱۳/۱۱.

۶۱. «قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَاجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجاً عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ سَدًّا.» (کهف: ۹۴)

راستای تبیین و تشریح اضلاع مختلف این رویکرد که متضمن ارائه راهبردی کارآمد در مقابله با فساد است، این موضوع تحت سه گفتار ارائه می‌شود: رویکرد تأسیسی مبتنی بر آموزش و پرورش مطلوب، رویکرد تأسیسی مبتنی بر نظارت عمومی و مسئولیت جمعی و رویکرد تأسیسی مبتنی بر نظام تقنینی و قضایی مطلوب.

۱.۳. رویکرد تأسیسی مبتنی بر آموزش و پرورش مطلوب

تعلیم و تربیت، پیوسته به مثابه سنگ بنایی تلقی شده که ایجاد فرهنگ‌ها و جوامع متمدن متوقف بر آن بوده است.^{۶۲} تکوین اجتماعی پویا و متکامل همواره دغدغه‌ای است که جز از طریق نظام تعلیمی و تربیتی کارآمد محقق نمی‌شود، امر مهمی که ارکان اصلی آن عبارت‌اند از: ۱. تبیین نظام باورها و ارزش‌ها؛ ۲. زدودن نفس و شخصیت انسانی از رذائل اخلاقی و آراستگی به خلقیات ممدوح.

ناگفته پیداست می‌توان دریافت که رویکردهای آموزشی و پرورشی مناسب، چه نقش و کارکردی در نهادینه‌شدن اراده مبتنی بر صلاح و مقابله با فساد در آحاد افراد ایجاد می‌کند. قبل از تشریح این موضع لازم است عرصه‌های مختلف آموزش و پرورش مدنظر قرار گیرد.

آموزش و پرورش به دو نوع تقسیم می‌شود: آموزش و پرورش رسمی^{۶۳} و آموزش و پرورش غیررسمی.^{۶۴} در توضیح گونه نخست از آموزش و پرورش می‌توان گفت: برخی سازمان‌ها و نهادها هستند که با هدف آموزش به افراد در سطح گسترده، بر اساس برنامه‌ای از پیش تعیین‌شده بر پا شده‌اند^{۶۵} و خصوصیت بارز آن، سازمان‌یافتگی و ساختارمندی و سلسله‌مراتبی بودن است.^{۶۶} در مقابل، منظور از آموزش غیررسمی، نهادهایی همچون مطبوعات، تلویزیون و سینماست که فرهنگ و دانش را در روشی غیررسمی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کنند. به بیان دیگر، آموزش غیررسمی، به هر نوع فعالیت آموزشی و کارآموزی اطلاق می‌شود که سازمان یافته است ولی در خارج از نظام آموزش رسمی تحقق می‌یابد.

بر اساس انسان‌شناسی قرآن کریم، استعدادهای انسانی جنبه‌های متعدد جسمی، عقلی، عاطفی و روحی گسترده‌ای را شامل می‌شود و نظام آموزشی و پرورشی جامع باید بتواند همه این قابلیت‌ها را به صورت هماهنگ هدایت کند و بخش مهمی از توانایی‌های نهان انسان را از سیر تکاملی خود محروم نکند.^{۶۷}

۶۲. حاتمی، حق بر آموزش و تعهدات دولت‌ها، ۲۶.

63. Formal Education.

64. Normal Education.

۶۵. پرکان و صالحی، نهادینه‌سازی خلاقیت در جامعه اسلامی، ۲۶۳.

۶۶. مشایخ، فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۱.

۶۷. خسروپناه، منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، ۴۳۵/۱.

بحث آموزش آن قدر در افق دید قرآن کریم حائز اهمیت است که در آیه ۱۰۳ سوره اعراف، خداوند از ضرورت آموزش و تنبه فرعون به وسیله موسی یاد می‌کند و در ادامه، با اشاره به نپذیرفتن فرعون و همراهانش، او و اطرافیانش را به عنوان مفسدان معرفی می‌کند.^{۶۸} رویکرد این آیه، ضرورت آموزش و پرورش را برای ما تداعی می‌کند که حتی فردی مانند فرعون که ادعای الوهیت^{۶۹} داشته است نیز از منظر پروردگار عالم نیاز به آموزش و برهان و هدایت دارد. در بستر آموزش و پرورش دینی است که جوامع انسانی می‌توانند به تدریج در فرایند تکاملی حقیقی قرار گیرند و مراحل علم و عمل را یکی پس از دیگری طی کنند و اگر بشر بر بسط دایره دین و معارف الهی اهتمام می‌ورزید، انتظار می‌رفت کمالات و پیشرفت‌های فردی و جمعی را در سطح مطلوبی تجربه کند.^{۷۰}

جنبه ابزاری تعلیم و آموزش در قرآن در مسیر هدایت و تربیت انسان، در بالاترین و پیشرفته‌ترین سطح قرار دارد و ضمن به فعلیت رساندن مراتب ابتدایی از استعدادهای انسانی، زمینه نیل به عالی‌ترین مراتب وجودی او را نیز فراهم می‌کند. توجه به کارکردهای تعلیم و تربیت می‌تواند ابعاد آرمانی و عالی نیز پیدا کند که مهم‌ترین آن‌ها، پرورش اخلاقی انسان و ایجاد ملکات و صفات اخلاقی پسندیده است؛ موضوعی که در ادبیات اسلامی از آن به ترکیه نفس^{۷۱} تعبیر می‌شود و در نصوص دینی به عنوان اصیل‌ترین هدف از بعثت انبیا معرفی شده است.^{۷۲} در بُعد اجتماعی نیز نظام آموزش و پرورش کارآمد، منشأ آثار و تبعات متعددی است؛ از جمله مهم‌ترین این موارد می‌توان به نقش آموزش و پرورش در توسعه و رشد صحیح جامعه اشاره کرد؛ چراکه به نظر می‌رسد ریشه همه نابسامانی‌ها و فسادها و اعوجاجات، در تعلیم و تربیت نادرست و در یک کلام، نارسایی‌های تربیتی آدمی است. از این منظر می‌توان گفت: وضعیت یک جامعه در جهات مختلف، برابند وضعیت نظام تعلیم و تربیت آن است.

قرآن کریم، تعلیم و تربیت را از اهداف ارسال پیامبران الهی دانسته است تا بسیاری از حقایق مکتوم و ناشناخته بر مردم را روشن کنند. بر این اساس، در آیه ۱۵۱ سوره بقره خداوند متعال فرموده است: «...رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را پاک کند و به شما کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه را نمی‌دانستید، به شما یاد دهد.»^{۷۳} در آیه مزبور، خداوند متعال چهار نعمت را در سایه بعثت رسول متحقق می‌داند که عبارت‌اند از: ۱. رسول، آیات ما را بر شما می‌خواند؛ ۲. شما را

۶۸. ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلِيهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَأَنْظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (اعراف: ۱۰۳).

۶۹. قَالَ لَئِن آتَخَذْتُ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُورِينَ (شعرا: ۲۹).

۷۰. طباطبایی، المیزان، ۲۱/۸.

۷۱. مقصود از ترکیه، پاکسازی و پالایش عناصر فاسد از سالم است و رشد و بالندگی، از لوازم و آثار آن به شمار می‌رود (محمدی ری‌شهری، ۳۲۱).

۷۲. شاطری، مسئولیت اخلاقی حکومت اسلامی، ۲۲۷.

۷۳. «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ.»

پرورش می‌دهد؛ ۳. کتاب و حکمت به شما می‌آموزد؛ ۴. آنچه را نمی‌دانستید به شما تعلیم می‌دهد. تعلیم و تربیت به‌عنوان مهم‌ترین مسئولیت و راهبرد پیامبران در آیات دیگری نیز تکرار شده است.^{۷۴} تأکید بر تعلیم و تربیت به‌عنوان موضوعی راهبردی در امر رسالت انبیا از آن‌روست که تشکیل جامعه‌ای متعادل که در آن افراد بتوانند با سازش و صفا زندگی کنند و در مسیر سعادت گام بردارند، جز با اصلاح و تربیت نفوس ممکن نیست؛ زیرا افراد و خانواده متزلزل و متلاشی که از تعلیم و تربیت و تهذیب بهره‌ای نبرده‌اند، نمی‌توانند موجد جامعه‌ای مستحکم و مقتدر باشند.^{۷۵}

۲.۳. رویکرد تأسیسی مبتنی بر نظارت عمومی و مسئولیت جمعی

با وجود اهمیت تدابیر حکمرانان در مقابله با فساد، قرآن کریم درباره نقش و تأثیر فرهنگ عمومی در این خصوص بی‌توجه نبوده است؛ بلکه می‌توان از محوریت ظرفیت عمومی و مردمی در رویکرد تأسیسی قرآن کریم برای مقابله با فساد سخن گفت. برای نمونه، خداوند متعال در آیه ۱۱۶ سوره هود،^{۷۶} مقابله کردن با فساد بر روی زمین و جلوگیری و نهی از آن، استفاده از کمال عقل و قدرت و آموزه‌های بعثت پیامبران و اقامه دلیل را در شمار وظایف بندگان دانسته است.^{۷۷} آیه مزبور بر اصلی اساسی در زندگی اجتماعی دلالت دارد که به موجب آن، صیانت از جامعه از عوامل فساد و تباهی، مادامی مقدور است که طیفی از خواص و نخبگان، در خصوص مفاسد، متعهد و مسئول باشند و در راستای تضعیف عوامل این عارضه به مبارزه فکری و عملی برخیزند و جامعه را نیز راجع به مخاطرات آن حساس کنند.^{۷۸} بر این اساس، می‌توان نهاد امر به معروف و نهی از منکر را مهم‌ترین ظرفیتی تلقی کرد که قرآن کریم برای ایجاد نظام مسئولیت جمعی مقابله با فساد و نهادینه‌سازی ارزش‌ها و باورها، فراروی مردم قرار داده است.^{۷۹} از جمله مستندات این موضوع، آیات ۱۱ و ۱۲ سوره بقره است که به موجب آن، امر به معروف و نهی از منکر در حوزه مقابله با فساد کارکرد ویژه‌ای دارد.^{۸۰} در آیه مذکور خداوند متعال ضمن اینکه مفسده‌برانگیز بودن رفتارهای کفار مفسد را متذکر می‌شود، ادعای آن‌ها را مبنی بر اصلاح‌طلبی مخدوش و

۷۴. «رَبَّنَا وَإِنَّا لِلَّهِ عُتُوبُونَ» (بقره: ۱۲۹) «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (آل عمران: ۱۶۴)

۷۵. جوادی آملی، هدایت در قرآن، ۷۴.

۷۶. «فَلَوْ لَا كَانِ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةً يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا بِهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ» (هود: ۱۱۶).

۷۷. طوسی، التبیان، ۸۱/۶.

۷۸. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۲۷۴/۹.

۷۹. ابن‌عاشور، التحرير والتنوير، ۳۴۵/۱۱.

۸۰. «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» (۱۱) «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ» (۱۲).

واهی می‌داند. همچنین می‌توان به آیه ۱۰۴ سوره آل عمران استناد کرد که بر اساس آن، رستگاران را گروهی می‌دانند که به اقامه امر به معروف و نهی از منکر اهتمام دارند.^{۸۱} موضوعی که در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران نیز به آن تأکید شده و در آن اقامه امر به معروف و نهی از منکر از ویژگی‌های بهترین امت معرفی شده است.^{۸۲}

۳.۳. رویکرد تأسیسی مبتنی بر نظام تقنینی و قضایی مطلوب

در مقام تشریح چگونگی تأسیس نظام تقنینی مطلوب، می‌توان به رویکرد قرآن کریم در تحریم و جرم‌انگاری رفتارهای فسادانگیز اشاره داشت. قرآن کریم با لحاظ هنجارها و ارزش‌های اساسی و با اتکا بر مبانی معرفت دینی، رفتارهایی را ممنوع و برای آن‌ها ضمانت اجرای متناسبی تعیین کرده است. این جرم‌انگاری، از ضوابط و ملاک‌های مشخصی تبعیت می‌کند که قابل ادراک عقلی است. قرآن کریم برای جرم‌انگاری مصادیق فساد، از ملاکاتی از این دست تبعیت کرده است: کرامت انسانی، حمایت از ارزش‌های اخلاقی، نفی ضرر، حفظ مصالح اساسی، برقراری نظم اجتماعی، اجرای عدالت کیفری و پیشگیری از جرم.^{۸۳} مصداق‌انگاری فساد به مثابه امری مجرمانه، طیف گسترده‌ای از رفتارها و اقدامات ناشایست را در بر می‌گیرد. در واقع، شارع مقدس به طور مستقیم و غیرمستقیم بسیاری از مصادیق فساد را به همگان معرفی کرده که می‌توان با الهام از آن در زمینه مبارزه با فساد، الگوی تقنینی جامعی را پایه‌گذاری کرد و به کارآمدسازی آن در زمینه فسادزدایی کمک کرد. این مصادیق به لحاظ درجه اهمیت در یک سطح نیستند و جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای آن‌ها باتوجه به شدت و ضعف اهمیت آن‌ها صورت گرفته است. جرایم علیه تمامیت جسمانی،^{۸۴} جرایم علیه اموال،^{۸۵} جرایم علیه امنیت روانی و اعتقادی،^{۸۶} جرایم علیه امنیت عمومی^{۸۷} و جرایم منافی عفت و اخلاق حسنه،^{۸۸} مجموعه رفتارهایی به شمار می‌روند که

۸۱. وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

۸۲. كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.

۸۳. دانش‌پژوه و مهریزی، «ملاک‌های جرم‌انگاری در قرآن»، ۲۷.

۸۴. «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالِ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ.» (بقره: ۳۰).

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا...» (مانده: ۳۲).

۸۵. «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَجِبُ الْفَسَادَ» (بقره: ۲۰۵)

سوره شعرا: «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ» (۱۸۱) «وَرِنُوا بِالْقِسْطِاسِ الْمُسْتَقِيمِ» (۱۸۲) «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (۱۸۳).

۸۶. سوره آل عمران: «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۶۲) فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ» (۶۳)

«الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ» (نحل: ۸۸)

۸۷. «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مانده: ۳۳)

۸۸. سوره عنکبوت: «الَّذِينَ كَفَرُوا لَتَأْتُوْنَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّيْلَ وَتَأْتُوْنَ فِي نَادِيكُمْ الْمُتَنَكِّرِينَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّنَا بَعْدَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ» (۲۹) «قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ» (۳۰)

به دلیل اثر فسادانگیز آن‌ها، در قرآن کریم تحریم شده‌اند.

جرم‌انگاری مصادیق فساد آنگاه مؤثر است که مفسدان به سبب اقدامات خود تعقیب و پیگرد شوند و این مهم، جز در پرتو کنش‌گری قضایی، جامعه عمل به خود نمی‌پوشاند. در واقع، روابط صحیح بین اشخاص و عدالت‌گستری و فسادزدایی در جامعه زمانی نظم و نسق می‌یابد که دستگاه قضایی کارآمد به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب و عیار سلامت جامعه، متولی اجرای آن شود. از این‌روست که در شریعت اسلامی کمتر مسئله‌ای چون قضا مدّ نظر و سفارش بوده است تا جایی که برخی صاحب‌نظران علوم اسلامی، قضاوت شایسته و دادرسی عادلانه را وجهه آبروی اسلام^{۸۹} و اول مسائل دین مبین معرفی کرده‌اند.^{۹۰} اینکه در آیه ۱۰۵ سوره نساء، قضاوت میان مردم از شئون نبی دانسته شده و قرآن نیز مبنای برقراری عدالت معرفی شده است، به خوبی مؤید جایگاه این منصب جلیله است.^{۹۱} دامنه رسیدگی قضایی رسول(ص)، به مسلمانان محدود نشده و در خصوص غیرمسلمانان نیز اجرای قسط و عدل تأکید شده است.^{۹۲}

بنابراین، با تدقیق در آیات متعدد می‌توان چنین استدلال کرد که نظام‌سازی قرآنی در مقابله با فساد و مظاهر مختلف آن در سطح نهایی، آن‌گاه که فرد خود را در معرض ارتکاب فساد قرار دهد، با اجرای کیفی همراه خواهد بود که توسط نظام قضایی عدالت‌گستر محقق می‌شود. از این‌روست که به همه مردم دستور داده می‌شود در برابر اجرای عدالت، مطیع باشند^{۹۳} و به احکام قضایی صادره گردن نهند و همچنین ترمرد ظاهری و باطنی در برابر آن نداشته باشند.^{۹۴}

نتیجه‌گیری

از جمله مؤلفه‌های اساسی در حکمرانی شایسته، مقابله با پدیده فساد است و مواجهه بنیادین با آسیب‌های آن فقط از طریق تمهیدات اخلاقی امکان‌پذیر است. تدقیق در آیات قرآن کریم و تتبع در مجامع تفسیری مرتبط با آن، موجد این رهیافت است که قرآن کریم حداقل در سه ساحت، نظام اخلاقی جامعی را به منظور مقابله با پدیده فساد تدارک دیده است که عبارت‌اند از: تحویفی و ترمیمی و تأسیسی.

نخستین راهبرد قرآن کریم در خصوص مقوله فساد، رویکرد تحویفی است. رویکرد تحویفی، مطلق

۸۹. خمینی، تحریر الوسیله، ۴۷۹.

۹۰. خمینی، تحریر الوسیله، ۲۱۲.

۹۱. «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا» (نساء: ۱۰۵)

۹۲. «وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (مانده: ۴۲)

۹۳. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا».

۹۴. «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا مِنْ أَفْسِهِمْ حَرْجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا».

خطاباتی است که خداوند متعال در هیئت انذار و هشدار، راجع به عواقب امور برای هدایت انسان‌ها تشریح کرده است و به وسیله آن، داعی لازم بر ترک محرمات و مناهای دینی ایجاد می‌شود. این مهم در آیات قرآن کریم بر دو قسم درخور صورت‌بندی است: تبعات دنیوی و تبعات اخروی.

خداوند متعال در ارائه راهبردهای مقابله با فساد در کنار رویکرد سلبی مبتنی بر خوف و انذار، به دلیل بازسازی نظام ارزشی جامعه، چهارچوب‌ها و موازین اخلاقی و تربیتی ایجابی را مطرح می‌کند که می‌توان از آن به رویکرد ترمیمی تعبیر کرد. رویه قرآن کریم برای مبارزه با فساد در رویکرد ترمیمی در دو سطح درخور بررسی است: ۱. تضعیف اراده‌های مبتنی بر فساد؛ ۲. تقویت اراده‌های مقابله با فساد. در سطح نخست، خداوند با معرفی بسترهای فسادزا و تقبیح آن‌ها درصدد تضعیف اراده‌های فسادزا برآمده است و در سطح دوم، با تکریم و تقویت بسترهای ضد فساد و ارائه راهکار، اراده‌های انسانی مقابله با فساد را تقویت کرده است.

در ادامه دو رویکرد گذشته، منبع هدایت‌بخش قرآن کریم راهبردی را دنبال می‌کند که در پی آن مناسباتی مبتنی بر اصالت اخلاق و ایمان در جامعه اسلامی برقرار می‌شود. مهم‌ترین کارکرد این مضامین، ارائه الگویی از جامعه‌پردازی است که در آن موازین اخلاقی مقابله با فساد به مثابه نهاد و نظام، باورها و ارزش‌ها را متبلور می‌سازد و نهایتاً می‌تواند در سامان‌دهی یک نظام اجتماعی کارآمد و پویا مؤثر واقع شود. با تدقیق در آیات قرآن و بایسته‌های حکمرانی برآمده از آن به این نتیجه می‌رسیم که مهم‌ترین روش برای مبارزه با فساد، اقامه ارزش‌ها و معارف اخلاقی در سطوح کلان سیاسی و اجتماعی است که این مهم نیز جز از رهگذر ایجاد تحولات گفتمانی و همچنین تعریف ضمانت‌اجراه‌های مشخص ممکن نیست. بر اساس این ضرورت می‌توانیم سخن از رویکرد سومی به نام رویکرد تأسیسی به میان آوریم که از مؤلفه‌های پیش‌گفته برخوردار باشد.

بر اساس بررسی انجام‌شده، ازجمله رهیافت‌های این نوشتار می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. پویایی و تکامل نظام آموزش و پرورش و تبدیل آن به نظام تعلیمی و تربیتی کارآمد به صورتی که ارزش‌ها و باورها در افراد نهادینه شوند.

۲. از ظرفیت‌های قانونی، برای جرم‌انگاری عادلانه و ارزشی مصادیق فساد و تلازم آن با منطق حقوقی پویای قرآنی استفاده شود.

۳. فعال‌کردن ظرفیت مسئولیت جمعی جامعه و زمینه‌سازی نقش‌آفرینی عموم مردم در مقابله با فساد، از دیگر رهاوردهای قرآنی است که باید اجرایی شود.

۴. اتخاذ موضع فعال در مبارزه با فساد و ایفای نقش پیشگیری با شناخت بسترهای فسادزا نیز از

کارویژه‌های قرآن کریم برای نظام قضایی مطلوب است. همه این موارد و بیش از این‌ها، از جمله رهیافت‌هایی است که می‌توان در زمینه رویکرد مطلوب مبارزه با فساد، از منبع لایتناهی قرآن کریم برداشت کرد.

منابع

- قرآن کریم. مترجم: حسین انصاریان. ۱۳۸۳.
- ابراهیم‌آبادی، غلامرضا. «فساد در نگاهی دیگر: تأملی چندجانبه در مقوله فساد»، دفتر مطالعات سیاسی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. بهمن ۸۳، ۱ تا ۳۹.
- ابن‌عاشور، محمدطاهر. التحرير و التنوير. بيروت: مؤسسة التاريخ العربي. ۱۴۲۰ق.
- ابن‌فارس، احمدبن‌فارس. معجم مقاییس اللغة. بی‌جا: دار الفکر. ۱۳۹۹ق.
- ابن‌کثیر، اسماعیل‌بن‌عمر. تفسیر القرآن العظیم. بیروت: محمدعلی بیضون. ۱۴۱۹ق.
- پرکان، حسین و محمد صالحی، جواد. نهادینه‌سازی خلاقیت در جامعه اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ۱۳۹۷.
- جوادی آملی، عبدالله. تسنیم: تفسیر قرآن کریم. قم: اسراء. ۱۳۸۱.
- _____ تفسیر موضوعی قرآن کریم: مبادی اخلاق در قرآن. قم: اسراء. ۱۳۸۵.
- _____ تفسیر موضوعی قرآن کریم: مراحل اخلاق در قرآن. قم: اسراء. ۱۳۸۷.
- _____ تفسیر موضوعی قرآن کریم: هدایت در قرآن. قم: اسراء. ۱۳۸۷.
- حاتمی، مهدی و منیره زاهدی گلوگاهی. حق بر آموزش و تعهدات دولت‌ها. تهران: خرسندی. ۱۳۹۲.
- حجتی، غزاله. «عذاب جاویدان: عدالت و عشق الهی»، نشریه پژوهش‌های فلسفی کلامی. س ۱۹، ش ۱، بهار ۱۳۹۶، ۲۱۵ تا ۲۳۵. [10.22091/pfk.2017.840](https://doi.org/10.22091/pfk.2017.840)
- حداد عادل، غلامعلی. دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی. ۱۳۹۰.
- خسروپناه، عبدالحسین. منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ۱۳۹۶.
- خمینی، روح‌الله. تحریر الوسيلة. بی‌جا: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). بی‌تا.
- دانش‌پژوه، وهاب، مهدی مهریزی. «ملاک‌های جرم‌انگاری در قرآن»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی. س ۵، ش ۱۴ و ۱۵، زمستان ۹۱ و تابستان ۹۲، ۲۷ تا ۴۸.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد. المفردات فی غریب القرآن. تهران: چاپ محمد سیدکلانی. ۱۳۳۲.
- رضا، محمدرشید. تفسیر القرآن الحکیم: تفسیر المنار. بی‌جا: الهيئة المصرية العامة للكتاب. ۱۹۹۰م.
- زمخشری، محمودبن‌عمر. الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دار الکتب

العربی، بی تا.

- سبزواری، عبدالاعلی. مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن. بیروت: اهل البيت. ۱۴۱۴ق.
- شاذلی، سیدبن قطب بن ابراهیم. فی ظلال القرآن. بیروت: دار الشروق. ۱۴۱۹ق.
- شاطری، روح الله. مسئولیت اخلاقی حکومت اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ۱۳۹۲.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم. تفسیر القرآن الکریم. قم: بیدار. ۱۳۶۶.
- طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه النشر الإسلامی. ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو. ۱۳۷۲.
- طوسی، محمدبن حسن. التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: احیاء التراث العربی. بی تا.
- عبدالمحمدی، حسین. «آثار دنیوی گناه». فصلنامه رهتوشه. ش ۱۵۱، ۱۳۹۶، ۸۶ تا ۷۵.

[10.22081/rt.2017.67855](https://doi.org/10.22081/rt.2017.67855)

- عسکری پورحیب. «نقش حکمرانی خوب در کاهش فساد و فقر»، همایش کنفرانس بین المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی. دوره ۲، ۱۳۹۴، ۱ تا ۱۳.
- عسکری، حسن بن عبدالله. الفروق فی اللغة. بیروت: دار الآفاق الجديدة. ۱۴۰۰ق.
- فتاحی زاده، فتحیه، معصومه شیردل. «معناشناسی توصیفی فساد در تفسیر آیات قرآن کریم»، مطالعات تفسیری. س ۹، ش ۳۴، ۱۳۹۷، ۳۵ تا ۴۰.
- محمدی ری شهری، محمد. میزان الحکمه. قم: مکتب العالم الاسلامی. ۱۳۶۷.
- مشایخ، فریده. فرآیند برنامه ریزی آموزشی. تهران: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی. ۱۳۸۶.
- مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. بی جا: مرکز نشر آثار العلامة المصطفوی. ۱۴۱۶ق.
- _____ . تفسیر روشن. تهران: مرکز نشر کتاب. ۱۳۸۰.
- مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیة. ۱۳۷۴.

Transliterated Bibliography

- ‘Abd al-Muhammadi, Husayn. “Āsar Dunyavī Gunāh”. *Faṣḥnāmih-yi Rahtūshih*. no. 151, 2018/1396, 75-86.
- ‘Askari, Hasan ibn ‘Abd Allah. *al-Furūq fi al-Lughah*. Beirut: Dār al-Āfāq al-Jadīda. 2022/1400.
- ‘Askaripūr Ḥabīb. “Naqsh-i Ḥukmrāni Khūb dar Kāhish Fisād va Faqr”, *Hamāyish Kunfirāns Biyn al-Milālī ‘Ulūm-i Raftārī va Muṭālī ‘āt-i Ijtimā‘i*. Durīh-yi 2, 2016/1394, 1-13.
- Dānīshpazhūh, Vahāb, Maḥdī Mihrīzī. “Milāk-hā-yi Jurmingārī dar Qurān”, *Faṣḥnāmih-yi Fiqh va Mabānī Ḥuqūq Islāmī*. yr. 5, no. 14-15, winter 2013/1391va summer 2013/1392, 27-48.
- Fataḥizādīh, Fathīyih, Ma’sūmīh Shīrdīl. “Ma’ nāshināsī Tūshfī Fisād dar Tafīr-i Āyāt-i Qurān Karīm”, *Muṭālī ‘āt-i Tafīrī*. yr. 9, no. 34, 2019/1397, 35-40.

- Ḥadād ‘Adil, Ghulām ‘Alī. *Dānishnāmih-yi Jahān-i Islām*. Tehran: Bunyād-i Dāyrah al-Ma‘ārf-i Islāmī, 2012/1390.
- Ḥātāmī, Maḥdī va Munīrih Zāhidī Gilūgāhī. *Ḥaq bar Āmūzish va Ta‘ahudāt Dawlat-hā*. Tehran: Khursandī. 2014/1392.
- Ḥujatī, Ghazālīh. “Azāb Jāvidān: ‘Idālat va ‘Ishq Ilāhī”, *Nashriyih-yi Pazhūhish-hā-yi Falsafī Kalāmī*. yr.19, no. 1, spring 2018/1396, 215-235.
- Ibn ‘Ashūr, Muḥammad Ṭāhir. *Tahrīr wa al-Tanwīr*. Beirut: Mū‘assisa al-Tārīkh al-‘Atabī. 1999/1420.
- Ibn Fāris, Aḥmad ibn Fāris. *Mu‘jam Maqāyīs al-Lughā*.
- Ibn Kathīr, Ism‘īl ibn ‘Umar. *Tafsīr al-Qurān-i al-‘Azīm*. Beirut: Muḥammad ‘Alī Bayḍūn. 1998/1419.
- Ibrāhīmābādī, Ghulām Rizā. “Fisād dar Nigāhī Dīgar: Ta‘mulī Chand Jānibih dar Maqūlīh-yi Fisād”, *Daftar-i Muṭālī‘āt-i Siyāsī, Markaz Pazhūhish-hā-yi Majlis Shurāy Islāmī*. Bahman 2005/1383, 1-39.
- Javadī ‘Āmilī. ‘Abd Allah. *Tafsīr Mawzū‘ī Qurān-i Karīm: Hidāyat dar Qurān*. Qum: Asrā’. 2009/1387.
- Javadī ‘Āmilī. ‘Abd Allah. *Tafsīr Mawzū‘ī Qurān-i Karīm: Mabādī Akhlāq dar Qurān*. Qum: Asrā’. 2007/1385.
- Javadī ‘Āmilī. ‘Abd Allah. *Tafsīr Mawzū‘ī Qurān-i Karīm: Marāḥil Akhlāq dar Qurān*. Qum: Asrā’. 2009/1387.
- Javadī ‘Āmilī. ‘Abd Allah. *Tasnīm: Tafsīr-i Qurān-i Karīm*. Qum: Asrā’. 2003/1381.
- Khumaynī, Rūḥ Allāh. *Tahrīr al-Wasilah*. s.l. Mū‘assisah-yi Tanzīm va Nashr-i Āṣār-i Imām Khumaynī. s. d.
- Khusrū panāh, ‘Abd al-Ḥusayn. *Manzūmīh-yi Fikrī Āyat Allāh Khāminīh-yī*. Tehran: Sāzimān-i Intishārāt-i Pazhūhishgāh Farhang va Andīshih-yi Islāmī. 2018/1396.
- Makārim Shirāzī, Naṣīr. *Tafsīr-i Numūnah*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya. 1996/1374.
- Mashāyikh, Farīdih. Farāyand-i Barnāmīhrīzī Āmūzish. Tehran: Sāzimān-i Pazhūhish va Barnāmīhrīzī Āmūzishī. 2008/1386.
- Muḥammadī Riy Shahrī, Muḥammad. *Mizān al-Ḥikmah*. Qum: Maktab al-‘Ālam al-Islāmī. 1989/1367.
- Muṣṭafavī, Ḥasan. *al-Taḥqīq fī Kalamāt al-Qurān al-Karīm*. s.l. Markaz-i Nashr-i Āṣār al-‘Allāmah al-Muṣṭafavī. 1995/1416.
- Muṣṭafavī, Ḥasan. *Tafsīr-i Rūshan*. Tehran: Markaz-i Nashr-i Kitāb. 2002/1380.
- Parkān, Ḥusayn va Muḥammad Ṣāliḥī, Javad. *Nahādīnīhsāzī Khalāqīyat dar Jāmī‘ih-yi Islāmī*. Tehran: Pazhūhishgāh Farhang va Andīshih-yi Islāmī. 2019/1397.

Qurān-i Karīm. translated by Ḥusayn Anṣariyān. 2005/1383.

Rāghib Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. *al-Mufradāt fi Gharīb al-Qurān*. Tehran: Chāp-i Muḥammad Sayyid Kalānī. 1954/1332.

Riḍā, Muḥammad Rashīd. *Tafsīr-i al-Qurān al-Karīm: Tafsīr-i al-Minār*. s.l. al-Hiyāt al-Miṣriya al-Āmma li-l-Kitāb. 1990/1410.

Sabzawārī, ‘Abd al-‘Alā. *Mawāhib al-Rahmān fi Tafsīr-i al-Qurān*. Beirut: Aḥl-i Biyt. 1993/1414.

Ṣadr al-Dīn Shīrāz, Muḥammad ibn Ibrāhīm. *Tafsīr al-Qurān al-Karīm*. Qum: Bidār. 1988/1366.

Shādhilī, Sayyid Qutb al-Dīn ibn Ibrāhīm. *fi Zalāl al-Qurān*. Beirut: Dār al-Sharq. 1993/1414.

Shātīrī, Rūḥ Allāh. *Mas’ūliyat Akhlāqī Ḥukūmat-i Islāmī*. Tehran: Pazhūhishgāh Farhang va Andīshih-yi Islāmī. 2014/1392.

Ṭabarsī. Faḍl ibn Ḥasan. *Majma’ al-Bayān fi Tafsīr al-Qurān*. Tehran: Naṣir Khusrū. 1994/1372.

Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥusayn. *al-Mizān fi Tafsīr al-Qurān*. Qum: Mū’assisa al-Nashr al-Islāmī. 1996/1417.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Tibyān fi Tafsīr al-Qurān*. Beirut: Dār Ihya’ al-Tūrāth al-‘Arabī. s.d.

Zamakhsharī, Maḥmūd ibn ‘Umar. *al-Kashāf ‘an Ḥaqā’iq al-Tanzīl wa ‘Uyūn al-Aqāwīl fi Wujūh al-Ta’wī*. Beirut: Dār al-Kitāb al-‘Arabī. s.d.

